

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 3, Spring 2022, 321-348
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37024.2285

A Study of Human-Motifs of
***Ajā'ib al-Makhlūqāt wa Gharā'ib al-Mawjūdāt* Manuscript**
(A Case Study of *Ajā'ib al-Makhlūqāt wa Gharā'ib al-Mawjūdāt*
of Astan Quds Razavi Central Library Manuscript)

Sara Sadeghinia *

Abstract

Ajā'ib al-Makhlūqāt is one of the illustrated manuscripts available in the Central Library of Astan Quds Razavi. This book was written by Qazvini in the encyclopedic order in the seventh century AH. This research has selected version 35212 from among three illustrated copies available in Astan Quds library and has examined its human-icon from among the icons. In the selected version, 23 images belong to human-images, which are classified into two categories. The first category consists of male or female constellations that appear in the period and have a natural structure, and the second category is imaginary creatures derived from myths and folk tales in the form of a combination of human-animal is depicted. The paintings are drawn in the style of the Jalayri School. Although the school was influenced by Chinese painting, it took on Iranian culture and, in addition to innovation, played an important role in the development of the Herat school, which was the pinnacle of Iranian painting. In this research, an attempt is made to investigate the degree of adaptation of the text with the drawings in the selected version. The research has a descriptive-analytical method and has been done through documentary and field research. The results show that the illustrations serve the text and help the reader to identify the text's descriptions and understand them better. Wherever the artist feels the need to break the boundary between fantasy and reality, the images are more

* Assistant Professor, Digital Art department, Art Faculty, University of Damghan, Damghan,
Semnan, Iran, sadeghis@du.ac.ir

Date received: 01-12-2021, Date of acceptance: 13-04-2022



appealing. The figures are all facing west and east, with none facing each other. The figures are usually in a frame that separates them from the text.

Keywords: Astan Quds Razavi Central Library, Imaginary Creatures, Icon, Human-Motif, Illustrated Manuscript.

بررسی انسان‌نگاره‌های نسخه خطی عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (مطالعه موردی نسخه خطی عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات کتاب‌خانه مرکزی آستان قدس رضوی)

سارا صادقی‌نیا*

چکیده

در میان گنجینه نسخ خطی کتاب‌خانه مرکزی آستان قدس رضوی، نسخه مصور عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات محمد قزوینی خودنمایی می‌کند. پژوهش پیش‌رو، از میان سه نسخه مصور موجود در کتاب‌خانه آستان قدس، نسخه ۳۵۲۱۲ را انتخاب و از میان نگاره‌ها، نگاره‌های انسانی آن را بررسی و واکاوی کرده است. در نسخه منتخب، ۲۳ نگاره متعلق به انسان‌نگاره‌ها هستند که در دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند. دسته نخست شامل نگاره‌های صور فلکی است که به شکل مرد یا زن و با ظاهری طبیعی ترسیم شده‌اند و دسته دوم موجودات خیالی هستند که به شکل ترکیب انسان- حیوان تصویر شده‌اند. نگاره‌ها از اسطوره‌ها و داستان‌های عامیانه برگرفته و به سبک مکتب جلایری ترسیم شده‌اند. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا میزان تطبیق متن با نگاره‌های موجود در نسخه منتخب بررسی شود. پژوهش ماهیتی توصیفی- تحلیلی دارد و به روش اسنادی و کتاب‌خانه‌ای صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد نگاره‌ها در خدمت متن بوده و در عینیت‌بخشیدن به توصیفات متن و درک بهتر مطالب به خواننده کمک کرده‌اند و هر جا که هنرمند احساس

* استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه دامغان، ایران، sadeghis@du.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴



نیاز کرده است، مرز میان خیال و واقعیت را درهم شکسته و جذابیت تصاویر را با قدرت تخیل خود دوچندان کرده است.

کلیدواژه‌ها: کتاب‌خانه مرکزی آستان قدس رضوی، موجودات خیالی، نگاره، نگاره‌های انسانی، نسخ مصور.

۱. مقدمه

فرهنگ عجایب‌نویسی را از یک سو مرتبط با گسترش کتاب‌های جغرافیایی و از سوی دیگر، در پیوند با کتاب‌های حیوان‌شناسی یونانی، رومی، و عربی دانسته‌اند. در عجایب‌نامه‌ها علاوه بر پرداختن به مسائلی مانند کیهان‌شناسی، جغرافیا، طبیعیات، و طب شاهد حکایات و روایت‌هایی هستیم که ریشه در باور حیوان‌شناسی‌ها و اسطوره‌های مردم زمان خود دارند. لذا شاید بتوان آن‌ها را از مهم‌ترین منابع شناخت افکار و حیات فرهنگی، باورها، و آداب و رسوم مردم دانست. عجایب‌نامه‌ها جلوه‌هایی از بینش و جهان‌شناسی کهن را به تصویر می‌کشند و اعتبار و باورپذیری پدیده‌ها را توجیه می‌کنند. در این‌گونه آثار، مرز میان واقعیت و خیال مبهم است و هستی آن‌ها در رویارویی میان امر ممکن و غیرممکن پدید می‌گیرد. از این روست که گاه عجایب‌نامه‌ها را در زمره ژانر فانتزی طبقه‌بندی می‌کنند (براتی ۱۳۸۷: ۱۰). اولین کتاب درباره طلسمات و عجایب را به پلینیوس (Plinius) حکیم منسوب می‌دانند که ندیم اسکندر بوده است که کتاب وی الگوی عجایب‌نویسان عالم شد و در کتاب‌های عجایب نقل‌قول‌های فراوانی از او شده است. یکی از کهن‌ترین کتاب‌های فارسی درباره عجایب‌نامه، که به *عجایب البلدان* شهرت دارد، متعلق به ابوالمؤید بلخی است. او این کتاب را به نام ابن‌منصور سامانی نوشت که در سال‌های ۳۶۵ تا ۳۸۷ ق در بخارا حکومت می‌کرد. اثر دیگری که متن آن به فارسی موجود نیست کتابی تحت عنوان *عجایب هند* نوشته ناخدا بزرگ شهریار رامهرمزی است که در نیمه اول قرن چهارم هجری زندگی می‌کرد. در این کتاب مجموعه حکایات عجیب و غریبی گرد آمده است که در یانوردان و بازرگانان ایرانی، هندی، و عرب برای این دریانورد ایرانی نقل کرده‌اند. پس از آن، کتابی تحت عنوان *تحفة الغرائب*، نوشته محمدبن ایوب طبری ریاضی‌دان قرن پنجم هجری، است. در نهایت، عجایب‌نامه‌های محمد طوسی همدانی و محمد قزوینی را می‌توان نام برد. کتاب *عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات* قزوینی، که نامش را از کتاب محمد طوسی همدانی گرفته است، کتابی موزن با نظم دایرةالمعارفی و برپایه طبیعیات

ارسطویی است که در قرن هفتم هجری نگاشته شده است. اصل کتاب به زبان عربی است و به فاصله کوتاهی خود نویسنده ترجمه فارسی آن را برای پیش‌کش به شمس‌الدین جوینی، صاحب‌دیوان دوره هولاکوخان، تهیه کرد. قزوینی در تألیف این کتاب از آثار دانشمندانی چون ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی، و ابوعثمان جاحظ بهره برده است (همدانی طوسی ۱۳۷۵: ۱۸). نسخه‌های خطی مصور فراوانی از این متن در گذشته در ممالک مختلف رواج داشته و دست‌به‌دست می‌شده و ترجمه فارسی آن نیز از نظر اشتها و محبوبیت دست‌کم از متن عربی آن نداشته است. به گفته استوری، این کتاب پنج بار به فارسی ترجمه شده است. قدیمی‌ترین نسخه این کتاب در مونیخ آلمان نگهداری می‌شود که تاریخ آن به سال ۱۲۸۰ م / ۶۷۸ ق می‌رسد؛ یعنی زمانی که مؤلف در قید حیات بوده است (همان: ۵۶). این نسخه مصور است و جالب آن‌که اکثر دانشوران حشره‌شناسی پنداشته‌اند که این تصاویر زیرنظر خود قزوینی آماده شده است. وستنفلد (Wüstenfeld) معتقد است که سه متن از کتاب را خود قزوینی آماده کرده است، ولی بعدها معلوم شد که مطلب از آن‌چه وستنفلد گمان برده پیچیده‌تر است. روسکا (Ruska)، مورخ علوم دقیقه و خاورشناس معروف، ضمن تحلیل فصول انسانی و معدنی کتاب و به‌خصوص افسانه ترکی معروف «سنگ باران»، وجود متن چهارمی را نیز کشف کرده است. قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب از روی متن دوم است که به‌قرار معلوم، در زبان عربی از متن‌های دیگر رایج‌تر بوده و نسخه‌های خطی بسیار از آن به‌جا مانده است. اصل عربی متن سوم موجود نیست و علامت آن این است که فصل هفتم و هشتم را، که از اقوام و حرفه‌ها سخن دارد، بر آن افزوده‌اند. این متن قزوینی نیست و ترجمه‌های فارسی از روی آن انجام شده است. ترجمه فارسی عجایب المخلوقات قزوینی در سال ۱۲۶۳ ق در تهران چاپ سنگی شد (مصور) و بار دیگر در سال ۱۲۸۳ ق به‌اهتمام محمدنصیر خوانساری در ۲۷۱ صفحه به‌چاپ رسید. در سال ۱۳۱۰ ق بار دیگر با خط محمدحسین بن محمد شفیع خوانساری و به‌قطع رحلی چاپ شد. این متن، علاوه بر این چاپ‌ها، سه چاپ سنگی هم در هند (دوبار در لکنهو و یک بار در بمبئی) به خود دیده است (مدرس صادقی ۱۳۷۵: ۳۳). چاپ تازه‌ای از این کتاب در سال ۱۳۴۰ ش به تصحیح نصرالله سبوحی منتشر شده است. در اسفندماه ۱۳۹۰ انتشارات مجمع ذخائر اسلامی در قم با مشارکت کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی ترجمه فارسی کتاب عجایب المخلوقات را به‌قلم یوسف باباییگ‌پور و مسعود غلامیه منتشر کرد و در اختیار پژوهش‌گران قرار داد. هدف این پژوهش بررسی نگاره‌های انسانی یکی از نسخ خطی مصور موجود در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی و تطابق آن‌ها با متن است.

۲. سؤالات تحقیق

- الف. میزان تطابق نگاره‌ها با متن چگونه است؟
- ب. نگارگر در تصویرکردن نگاره‌ها تا چه میزان به طبیعت وفادار بوده و تا چه میزان از قوه تخیل خود بهره برده است؟

۳. روش تحقیق

این تحقیق ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و به روش کتاب‌خانه‌ای (اسنادی) انجام گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، علاوه بر مطالعات کتاب‌خانه‌ای، تهیه عکس از روی نسخه و مقایسه آن با نسخه‌های دیگر بوده است. از میان سه نسخه خطی مصور ترجمه فارسی موجود در مخزن نسخ خطی بخش تالار مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی برای بررسی نگاره‌ها، نسخه شماره ۳۵۲۱۲ که از کیفیت و تعداد نگاره قابل توجهی برخوردار بوده، انتخاب شده است. سپس، به دلیل نداشتن دسترسی کامل به متن نسخه منتخب، برای تسهیل در خواندن متن از نسخه فارسی چاپ سنگی بخش مخزن کتابخانه آستان قدس استفاده شد. از تعداد بیست نسخه چاپ سنگی عجایب المخلوقات محفوظ در مخزن کتابخانه، قدیمی‌ترین نسخه مربوط به سال ۱۲۶۴ ش بود که مدنظر نگارنده قرار گرفت. دسترسی به متن کامل، انگیزه نگارگر در انتخاب کلمات کلیدی و مقطع‌های تصویری را در مجسم‌سازی نگاره‌ها مشخص می‌ساخت.

۴. اهمیت پژوهش

ریشه‌های شکل‌گیری مطالب عجایب المخلوقات براساس متون علمی و ادبی از قبیل نجوم و علوم غریبه بوده و تعدادی از آن‌ها براساس داستان‌هایی از پیامبران نگاشته شده و برخی ریشه در باورها و اعتقادات مردم آن روزگار داشته است. بنابراین، بررسی این اثر می‌تواند سند معتبری از مجموعه دانش‌های روز خود، اندیشه‌ها، و باورهای مردمان آن روزگار را بر ما آشکار کند. از سوی دیگر، به دلیل داشتن حکایت‌های گوناگون، منبع معتبر و مهمی برای ادبیات عامه در ایران محسوب می‌شود. هم‌چنین، مطالعه تطبیقی عجایب‌نامه‌ها امکان بررسی خط سیر و تطور، تکامل، یا تغییر باورها و اعتقادات مردم از دوره‌ای به دوره دیگر

را نیز فراهم می‌سازد. در این پژوهش، به‌طور خاص به بررسی نسخه‌ای مشخص و از میان تصاویر به نگاره‌های انسانی این اثر ارزش‌مند می‌پردازد. شواهد نشان می‌دهند که تاکنون تحقیقی روی نسخه منتخب و انسان‌نگاره‌های آن صورت نگرفته است.

۵. معرفی نسخه منتخب

در بین نسخه‌های موجود، نسخه شماره ۳۵۲۱۲ تنها نمونه‌ای است که آغاز و انجام آن وجود دارد و تنها نقصی که دارد این است که بر اثر آسیب‌دیدگی، بعضی از تصاویر و بخشی از متن از بین رفته و در محل تصاویر با کاغذ بیاض وصالی شده است. آغاز کتاب با جمله «کتاب المخلوقات العظیم لک و الکبیر...» و در ترقیمه یا انجامه کتاب آمده است: «ابوریحان گفت شنیده که در عهد کیانیان روباه طیاری بود و آن را مبارک شمردندی و بر مبارک این کتاب را ختم کردم...». در این برگ، تصویر اسب شاخ‌دار و روباه طیار نقش شده است. کتاب دو مقاله (هر مقاله در چند نظر، فصل، قسم، و نوع است) و خاتمه دارد. این نسخه از مترجمی ناشناس است که ترجمه را در هندوستان به‌نام ابوالظفر ابراهیم عدل‌شاه (د ۹۶۵ ق) انجام داده و در اوایل شعبان ۹۵۴ آن را به‌پایان رسانده است. متن عربی آن در سال ۶۷۴ ق تألیف و بعد از آن چندین مرتبه به فارسی و اردو ترجمه، خلاصه، و چاپ شده است. از نظر کتاب‌آرایی نسخه نوع خط آن نستعلیق است. عدد اوراق آن معلوم نیست، ولی آخرین برگ کتاب عدد ۲۱۸ را نشان می‌دهد. ابعاد آن ۲۶/۵×۱۹/۵ سانتی‌متر و جلد تیماج مذهب است. قسمت‌هایی از متن و تصاویر اوراق بریده یا پاک شده است، لذا تعداد سطرهای نسخه مشخص نیست. این نسخه در کل به ۸۴ تصویر مزین است و تأثیرات سبک هندی مانند تصویرشدن غلامان سیاه‌پوست، اسطوره‌های بودایی، نمادها، و حیوانات و پرندگان هندوستان در برخی نگاره‌ها مشهود است. از میان ۸۴ نگاره، ۲۳ تایی آن‌ها انسانی و بقیه مربوط به جانوران و پرندگان است. این نسخه را رهبر انقلاب، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، در سال ۱۳۸۶ به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کرده است.

۶. پیشینه تحقیق

مقاله‌ای با عنوان «نقش مرغ در نسخه عجایب المخلوقات» (۲۰۰۴) که با همکاری سیرینکس فن‌هس (Syrinx von Hees) از انجمن مطالعات شرقی دانشگاه بن و ادوارد شوارتس (Edwa Schwartz) از مؤسسه زیست‌شناسی دانشگاه هامبولت (Humboldt University)

بر روی یکی از نسخه‌های مجموعه عربی کتاب‌خانه ایالتی باواریا (Bavaria) انجام شد، به ویژگی‌های عمومی و فنی منتخبی از مرغ‌نگاره‌ها از نگاه پرنده‌شناختی پرداخته است. از مقالاتی که در خصوص کتاب قزوینی در ایران به چاپ رسیده است، می‌توان به مقاله «عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات» نوشته محمد مشتری (۱۳۹۱) اشاره کرد که در آمدی بر شرح و معرفی کتاب به تصحیح یوسف بابایگ‌پور و مسعود غلامیه دارد. محمدجواد احمدی‌نیا (۱۳۹۳) نیز مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر کتاب عجایب المخلوقات قزوینی در تصاویر چاپ سنگی علیقلی خویی» نوشته و در این مقاله به شیوه و سبک نگارگری علیقلی خویی پرداخته است. مقاله‌ای تحت عنوان «پیشرفت‌های حیرت‌انگیز؛ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» نوشته رشنوزاده (۱۳۸۸)، علاوه بر مقدمه کلی درباره کتاب، به معرفی نسخه‌های چاپ‌شده آن در دنیا می‌پردازد. مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی دیوها و موجودات مافوق طبیعی در عجایب المخلوقات قزوینی و بحیره فزونی استرآبادی» را معصومه ابراهیمی (۱۳۹۱) نوشته است که در آن به بررسی تطبیقی سیما و ویژگی‌های موجودات وهمی در دو عجایب‌نامه پرداخته است. سیروس علایی در مقاله‌ای تحت عنوان «جهان‌نمای قزوینی» (۱۳۷۲) به اهمیت نقش قزوینی در مقام دانشمند بزرگ ایرانی در محافل جهانی نقشه‌نگاری اشاره دارد و طبق گفته وی، مقاله لاتین خود را که درباره نقشه‌نگاری قزوینی در سال ۱۹۹۳ م در مجله *انجمن بین‌المللی دوست‌داران نقشه* در لندن منتشر کرد، با استقبال کم‌سابقه غربیان مواجه شد و از این رو آن را به فارسی برگرداند. علایی در این مقاله به نقشه‌ای پرداخته که در نسخه کتاب‌خانه پژوهشی گوتای آلمان موجود است. در مقاله دیگری تحت عنوان «تطابق متن و تصویر در نگاره‌های موجودات خیالی عجایب المخلوقات قزوینی»، نوشته سمیه مهریزی ثانی و فرهاد مهندس‌پور (۱۳۹۰)، نگارندگان ده نگاره از موجودات خیالی نسخه خطی کتاب‌خانه دانشگاه پرینستون آمریکا را بررسی و میزان تطابق متن و نگاره‌ها را واکاوی کرده‌اند.

۷. زندگی‌نامه قزوینی

زکریابن محمدبن محمود انصاری کمونی (کوفی) قزوینی، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافی‌دان، گیاه‌شناس، و جانورشناس بزرگ ایرانی است. از آن‌جا که او عمده عمر خود را در مناطق عرب‌زبان ساکن بوده و کتاب‌هایش را به زبان عربی تصنیف کرده است، برخی شرق‌شناسان او را از تبار اعراب می‌دانند، در حالی که از سبک نوشته‌های

قزوینی معلوم است که عربی زبان مادری او نبوده است. قزوینی در سال ۶۰۵ ق/ ۱۲۰۸ م به دنیا آمد. او در عراق، به فرمان مستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی، با منصب قضای حله (۶۵۰ ق) و واسط (۶۵۲ ق) مشغول به کار شد و در مدرسه شراییه واسط نیز تدریس می‌کرد (بیگ‌باباپور و غلامیه ۱۳۹۰: ۴۶). وی در هفتم محرم سال ۶۸۲/ ۱۲۸۳ م در واسط درگذشت و پیکرش را به بغداد منتقل و در مقبره شونیزیه دفن کردند. زکریابن محمد قزوینی را پلینوس شرق و هرودت قرون وسطا نامیده‌اند و به نظر بسیاری از تحلیل‌گران، فرم عجایب‌نویسی با *عجایب المخلوقات* قزوینی به حد کمال رسید. به گفته ادوارد براون، کارهای قزوینی «خارج از عصر خود قرار دارند» و در دوره‌های بعد از او در جهان اسلام و شبه‌قاره هند نیز تأثیر فراوان داشته است (همان: ۵۰).

۱,۷ فلسفه عجایب‌نویسی

از آن‌جاکه رؤیایپردازی و خیال‌پردازی ایرانی‌ها مملو از تصاویر غریب و اعجاب‌انگیز است و در ادبیات و نوشته‌های این سرزمین نیز به‌طور گسترده‌ای ظهور یافته است، با چنین تصاویر و نگاره‌هایی در عجایب‌نامه‌های ایرانی نیز مواجهیم. خیال‌پردازی و عجایب‌انگاری در متونی چون ستاره‌شناسی، جغرافیا، نژادشناسی، انسان‌شناسی، متون علمی، و حتی متون پزشکی قدیمی نیز دیده می‌شود. یکی از این متون *رد‌اویراف‌نامه* است که از اساسی‌ترین منابع برای شناخت آموزه‌ها درباره جهان دیگر در ایران باستان است. در این خصوص، می‌توان به متون دینی در اقوام مختلف و کتب دینی اشاره کرد، به گونه‌ای که گاهی در بین آن‌ها می‌توان شاهد موجودات و افسانه‌های غریب بود که *عجایب المخلوقات* از شاخص‌ترین آن‌هاست (بیگ‌باباپور و غلامیه ۱۳۹۰: ۵۱). این گروه از آثار بیش از هرچیز از دانش‌نامه‌های عمومی به‌شمار می‌روند و در آن‌ها از همه وجوه جهان هستی سخن گفته می‌شود. از این رو، آن‌ها را بیش‌تر در ردیف آثار کیهان‌شناسی قرار می‌دهند؛ اموری که در این رسالات از آن‌ها به «امر عجیب» یاد شده، یا متأثر از باورهای دینی و قومی یا ناشناخته‌های اعصار پیشین است. نویسندگان این آثار هدف خود را از تدوین چنین آثاری ذکر قدرت خداوند و آشکارساختن توانایی او بر خلق چنین عجایبی به‌منظور تنبیه انسان می‌دانند. عجایب‌نامه‌ها و شکل روایت در آن‌ها تأثیر عمده‌ای در پیدایش افسانه و برخی دیگر از گونه‌های ادبیات عامه هم‌چون امثال و حکم نهاده است. در واقع، می‌توان افسانه را شکل نهایی و فرم‌یافته‌ای از روایت‌های عجایب‌نامه‌ها نامید که در مسیر نوشتاری خود به تحول رسیده‌اند.

۲,۷ معرفی کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی

کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی، که در نیمه دوم قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری به زبان عربی به رشته تحریر درآمد، شامل دو بخش است که به‌طور جداگانه از جهان علوی و سفلی سخن دارد. قزوینی در ابتدای کتاب، ضمن آوردن آیاتی از قرآن و ذکر دو داستان، در پی آن است که لزوم پرداختن به مسائلی از این دست را اثبات کند. او هدف خود را از تألیف چنین اثری تفکر در معقولات و نظر در محسوسات و بحث در حکمت آن‌ها ذکر می‌کند «تا حقایق آن‌ها روشن گردد و قدرت خالق از راه نظر در مخلوق شناخته شود» (بیگ‌باباپور و غلامیه ۱۳۹۰: ۵۴). کتاب شامل چهار مقدمه است. در مقدمه اول به شرح واژه «عجب» (عجیب) می‌پردازد. قزوینی در این کتاب «غریب» را این‌گونه تعریف می‌کند: «امر غریب امری باشد که مانند آن کم واقع شود و مخالف عادات باشد یا تأثیر نفوس باشد یا تأثیر امور فلکی یا تأثیر اجرام عنصری». قزوینی به موضوعات مختلفی با عنوان «امور غریب» اشاره کرده است. از نگاه قزوینی، اموری غریب به‌نظر می‌رسند که بسیار معمولی هستند، ولی وی آن‌ها را عجیب جلوه داده است. مقدمه دوم تقسیم مخلوقات است. مقدمه سوم درباره واژه «غریب» است و مقدمه چهارم درباره تقسیم موجودات که طبق مکتب یونانی و به‌ویژه ارسطو انجام شده است. قسمت اول که خاص جهان علوی است، از اجرام سماوی یعنی آفتاب، ماه، و ستارگان، ساکنان جهان بالا یعنی فرشتگان، و وقت‌شناسی و تقویم‌های عربی، سریانی، و عیدها و روزهای مشخص سخن دارد. قسمت دوم خاص زمین و پدیده‌های آن به‌معنای وسیع کلمه است که ضمن آن به‌طور کلی از عناصر چهارگانه و سپس جداگانه از آتش، هوا، آب، و نیز شهاب‌ها و بادهای سخن می‌رود. این قسمت از هفت اقلیم از علت وقوع زلزله و پیدایش کوه‌ها، رودها، و چشمه‌ها سخن می‌راند و علت‌های طبیعی و زمین‌شناختی که برای توضیح آن می‌آورد خواندنی است. پس از آن، از مناطق سه‌گانه طبیعت یعنی معدنی، گیاهی، و حیوانی سخن می‌گوید که منطقه اخیر با انسان، خصایص اخلاقی، و تشریح و ترکیب عضوی او و مشخصات اقوام مختلف آغاز می‌شود و به دنبال آن از مخلوقات دیگر و در ابتدا از جنیان و غولان سخن می‌رود و از این مجموع تصاویر و نگاره‌های رنگارنگ زیبایی پدید می‌آید. در نهایت، کتاب به دو مقاله تقسیم می‌شود. مقاله اول که درباره علویات است شامل سیزده نظر است. اول، در حقیقت افلاک و اشکال و موقعیت‌های آن؛ دوم، درباره فلک ماه؛ سوم، درباره فلک عطارد؛ چهارم، درباره فلک زهره؛ پنجم، درباره فلک خورشید؛ ششم، درباره فلک مریخ؛ هفتم، درباره فلک مشتری؛

هشتم، درباره فلک زحل؛ نهم، درباره فلک ستارگان ثابت؛ دهم، درباره فلک البروج؛ یازدهم، درباره فلک الافلاک؛ دوازدهم، درباره ساکنان آسمان‌ها که همان ملائکه‌اند؛ سیزدهم، درباره زمان. مقاله دوم نیز که مربوط به سفلیات است، به چهار نظر تقسیم می‌شود: به ترتیب کره آتش، کره هوا، کره آب، و کره زمین. سپس، به بررسی کائنات و موجودات هستی اشاره دارد که آن‌ها اجسامی هستند که از عوامل اصلی و مادر متولد می‌شوند و شامل سه نظرند: فلزات، گیاهان، و حیوانات. یکی از دلایل رواج فراوان کتاب قزوینی وجود تصاویر و نگاره‌های کم‌نظیر در آن است که از جمله در نسخه مونیخ و نسخه مؤسسه مطالعات شرقی دیده می‌شوند. اگرچه برخی از تصاویر گیاهی، جانوری، و اقسام وحوش خیال‌اند، در بعضی از نگاره‌ها به توضیح مسائلی مهم از قبیل تاریخ تصویر ستارگان و پاره‌ای مسائل تاریخ طبیعی کمک کرده است. مرز جغرافیایی دنیایی که قزوینی با تمام عجایب و غرایبش تصویر می‌کند، از شمال به قفقاز، از جنوب به خلیج فارس، از شرق به چین، و از غرب به نیل منتهی می‌شود (مهریزی ثانی و مهندس پور ۱۳۹۰: ۱۲). ذکر این نکته لازم است که همه نسخه‌های خطی قزوینی هم‌چون مؤلفات کیهان‌شناختی متأخر حرانی و ابن‌الوردی با یک نقشه مدور جهان از نوع نقشه اصطخری هم‌راه است (کراچکوفسکی ۱۳۷۹: ۲۸۵).

۳,۷ دیدگاه قزوینی درباره انسان

قزوینی رساله‌ای درباره جانورشناسی در کتاب *عجایب المخلوقات* گنجانده است. او موجودات را به سه قلمرو تقسیم کرد و حیوانات را در بالاترین مرتبه قرار داد، اما پس از آن حیوانات را به هفت دسته تقسیم کرد: انسان، جنیان، دواب (اسب، قاطر، و خر)، حیوانات اهلی (غنم)، حیوانات وحشی، پرندگان، و حشرات. قزوینی سه بخش آخر رساله خود را به یادداشت‌هایی درباره حیوانات به ترتیب حروف الفبا اختصاص داده است. در ابتدای بحث جانوران، ضمن بیان ویژگی‌های معدنیات، گیاهان، و جانوران حس را مهم‌ترین وجه تمایز جانوران از دو گروه دیگر می‌داند و آن را ناشی از حکمت خداوند ذکر می‌کند. از نکات قابل توجه در طبقه‌بندی قزوینی قرار گرفتن جنیان در زمره جانوران است. او ضمن بیان طبقات جانوران گونه‌های مختلف آن‌ها را هم معرفی می‌کند و درباره هریک از آن‌ها اطلاعات مختلفی می‌آورد (بیگ‌باباپور و غلامیه ۱۳۹۰: ۶۷). قزوینی، در نوع اول حیوانات، انسان را طبقه‌بندی می‌کند و در نظر اول به حقیقت انسان می‌پردازد. او معتقد است که انسان مرکب است از بدن، نفس، و نطق.

و اما بدن و نفس همه حیوانات با او (انسان) مشترک‌اند، اما قوت ناطقه قوتی است که او بدان ممتاز است از سایر حیوانات. باری - عزوجل - این نوع را خوب‌تر و شریف‌تر جمله حیوانات آفریده است. او را مخصوص کرده است به عقل تا بدان مصالح و مفاسد اشیا بداند و صورت او را به شکل بدیهه آفریده است... گویند که آدمی عالم کوچک است، از آن‌رو که در نشوونمو است، به نبات ماند و از آن‌روی که حس و حرکت دارد، حیوان است و از آن‌روی که مخاطب است به خطاب باری تعالی به عبادت و طاعت ملک را ماند، و چون معلوم شد که آدمی مجمع این معانی است، هر که همت خود را صرف کند تا جهتی از این جهات بدو لاحق شود، بهتر بود... (قزوینی ۹۵۴ ق: ۱۴۹).

۸. سبک نگاره‌های نسخه منتخب

سبک هنری نگاره‌های عجایب‌نامه قزوینی را، با توجه به مکان خلق آن یعنی بغداد و زمان آن یعنی اواخر قرن هشتم، به مکتب جلایری نسبت می‌دهند. روشناس معتقد است:

گرچه شاید نتوان میان اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم تاریخ دقیقی برای مصورشدن عجایب المخلوقات ارائه داد، اما می‌توان به احتمال قریب به یقین گفت که در فاصله میان دوره جلایری و تیموری استنساخ و مصور گردیده است (روشناس ۱۳۸۲: ۱۰).

در دوره جلایریان، نگاره‌ها خود به اثری مستقل در نسخ تبدیل می‌شوند. طراحی نگاره‌ها پُراحساس‌تر و رنگ‌پردازی‌ها غنی‌تر می‌شوند و حرکت و پویایی مورد توجه هنرمند قرار می‌گیرد. در نگاره‌های کتاب عجایب المخلوقات، با توجه به گردبودن چهره‌ها، تأثیر سبک چینی را مشاهده می‌کنیم، هرچند بعدتر تغییر فاحشی در چهره‌ها و کشیدگی اندام‌ها دیده می‌شود. گری معتقد است کوتاهی دوران سلطنت سلطان احمد طی یورش‌های پی‌درپی تیمور و حمله ترکمنان به تبریز در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است (گری ۱۳۶۹: ۴۶). البته، موضوع و محتوای متنی کتاب عجایب المخلوقات نیز باعث می‌شد که نگاره‌ها از کتاب‌هایی چون شاهنامه دموت یا دیوان خواجه‌سوی کرمانی، که در همین دوره مصور شده‌اند و تصاویر واقع‌گرایانه و تغزلی ملهم از ادبیات ایرانی جانشین تأثیرات سبک چینی شد، تصاویر ساده‌تری داشته باشند. بینون معتقد است:

در دوره آل‌جلایر، ابتدا رنگ‌های درخشان و مناظر بهاری، که معرف نقاشی ایرانی است، پدید آمد. نقاش اندازه مناسبی برای پیکره‌ها و رابطه مناسبی بین تصاویر و متن

بررسی انسان‌نگاره‌های نسخه خطی عجایب المخلوقات ... (سارا صادقی‌نیا) ۳۳۳

کتاب پیدا کرد. این بیان‌گر آن است که جلاپریان به نقاشی ایرانی توجه و از آن حمایت کرده‌اند (بینیون و دیگران ۱۳۶۷: ۱۴۳-۱۴۴).

نگاره‌های موجود در عجایب‌نامه قزوینی شامل نقوش انسانی، حیوانی، گیاهی، و موجودات خیالی و عجیب‌الخلقه است. نگارنده از میان نگاره‌های موجود در نسخه به نقوش انسانی می‌پردازد. نگاره‌های انسانی موجود در نسخه منتخب به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ صورت‌های فلکی و موجودات عجیب‌الخلقه که در قالب ترکیب انسان-حیوان دیده می‌شوند. مخلوقات ترکیبی انسان-حیوان موجوداتی هستند که ظاهری انسانی دارند، مثلاً با بدن انسان و سر جانور یا برعکس و بعضی با حالت و رفتار انسانی به‌نمایش درآمده‌اند (طاهری و زند حقیقی ۱۳۹۱: ۲۸). نگاره‌ها معمولاً در بین متن قرار گرفته‌اند و می‌توان گفت تمام نگاره‌ها در پس‌زمینه‌ای قاب‌مانند احاطه شده‌اند که آن‌ها را از متن مجزا می‌کند.

۹. یافته‌های تحقیق

در نسخه منتخب، ۲۳ نگاره به انسان‌نگاره‌ها متعلق‌اند که شامل صورت‌های فلکی و موجودات خیالی‌اند. در ترسیم این نگاره‌ها، از اسطوره‌ها و داستان‌های عامیانه و تخیلات ذهنی هنرمند استفاده شده است. موجودات خیالی شامل غول‌ها، دیوها، اجنه، و هم‌چنین موجودات ساکن جزایری مانند جزیره واقواق^۱ یا زابج^۲ هستند که نویسندگان آن‌ها را امة الآخر می‌نامد. صورت‌های فلکی نیز اغلب در چهره مردان و گاهی زنان، با پوششی متعلق به دوره موردنظر، ظاهر شده‌اند.

۱,۹ صور فلکی

صور فلکی و صور کواکب مجموعه مشخصی از ستارگان است که منجمان قدیم این صورت‌ها را به نام خدایان و حیوانات نامیده‌اند. بطلمیوس فهرستی از ۴۸ صورت فلکی تنظیم کرده است که بیش‌تر آن‌ها در نیم‌کره شمالی و مناطق استوایی قرار دارند. پس‌از آن، در سفر به نیم‌کره جنوبی زمین، ستارگان جدیدی رؤیت شدند که بیش‌تر نام آلات مربوط به کشتی‌رانی و نام جانوران دریایی را به‌خود گرفتند. از زمان بطلمیوس به بعد، چهل صورت آسمانی دیگر دیده شد که بیش‌تر مربوط به قرن هفتم میلادی به بعد است. در باور

قدما، هرکدام از سیارات منظومه شمسی، باتوجه به شکل ظاهر خود، مظهري از مظاهر نور، دوستی، خشکی، زیبایی، عشق، و جز این‌ها بودند. از مجموع نسبت‌های این امور با یکدیگر و تلفیق حالات، باورهایی درباره موقعیت زمانی سعد و نحس توسط منجم به دست می‌آید که می‌تواند روشن‌گر سرنوشت هر فرد و آینده او باشد. در باور قدما، آسمان یا فلک که دربرگیرنده ستارگان و منظومه‌های فلکی است، اولین مخلوق دانسته شده است. «در مزدیسنا و روایات اساطیری کهن، آسمان نخستین مخلوق مرئی و گیتیایی اهورامزدا است» (یاحقی ۱۳۸۶: ۴۴).

در گذشته، فلک به دلیل حرکت چرخشی به شکل دایره تصور می‌شد. از آن‌جاکه مردم باور داشتند که در میان اشکال هندسی دایره کامل‌ترین است، آسمان کامل‌ترین پدیده هستی به‌شمار می‌رفت. از منابع مهم طبیعی که با اسطوره‌ها پیوندی ناگسستنی یافته آسمان و اجرام سماوی است. اسطوره‌هایی که در ارتباط با اجرام فلکی شکل گرفته‌اند، ریشه در باورهای مردم داشته و تا امروز نیز هم‌چنان پابرجا مانده‌اند؛ مثلاً صورت فلکی دو پیکر (جدول ۱، نگاره ۶) می‌تواند بازمانده‌ای از تصاویر یانوس یا ایزد دوچهره سومری باشد. یانوس، خدای رومی، صورتی با دو چهره مختلف داشت و به دلیل شخصیتش نمادی از دوتایی‌های متقابل بود، مانند روز و شب، فنا و بقا، گذشته و آینده. در اساطیر هندی نیز «پاراجپاتی» شخصیتی مشابه دارد که خورشید و ماه را چشم‌های او می‌دانند و نیمی از او میرا و نیمی جاودان است. دوقلوهای آسمانی یا سران ایزد خورشید دو سوی طبیعت انسان را نشان می‌دهند؛ یعنی مرد عمل و مرد اندیشه که اغلب باهم دشمن‌اند و یکی دیگری را می‌کشد. نمونه مشابهی از اسطوره دوقلوها را در فرهنگ‌های مختلف می‌یابیم، چون هرمزد و اهریمن، ازیریس و ست، رمولوس و رموس (Cirlot 1971: 355). در متون ستاره‌شناسی پس از اسلام، این صورت فلکی «جوزا» خوانده شد که به صورت دو انسان مذکر ایستاده نشان داده شده‌اند که یکی از دستانشان درهم پیچیده است یا صورت فلکی سنبله (جدول ۱، نگاره ۸) که به شکل زنی دیده می‌شود که خوشه گیاهی در دست دارد. پیشینه این پیکره را می‌توان در اعتقاد و پرستش ایزدبانوی مادر در بین اقوام کهن یافت. این نماد در نخستین مراحل تمدن بشر، یعنی در دوران کهن‌سنگی، گسترش یافت و بعدها با ظهور زراعت و اشتغال به دام‌پروری، به نماد تجسم باروری و زایش مشخص‌تر شد. نقش ایزد مادر در ایران باستان به‌ویژه مفرغ‌های لرستان به‌وفور دیده می‌شود. اهمیت ایزدبانو برای جوامع باستانی باعث شد تا یکی از صور فلکی مهم در آسمان به شکل او مجسم شود. در

متون ستاره‌شناسی بابلی، این صورت فلکی با نام «مول آب‌سین» مشخص شده است. نمونه دیگری از صور فلکی را که شاید بتوان ریشه آن را در اساطیر جست‌وجو کرد، صورت فلکی نیمسب است (جدول ۱، نگاره ۹). مرد-اسبی در حال پرتاب تیری از کمان بازنمایی می‌شود. این صورت فلکی را بازنمایی ایزدی سومری به نام پایلسگ می‌دانند که پسر انیل بود، اما ویژگی‌های او کم‌تر شناخته شده است. واژه سومری «پابیل» به معنای جد یا نیا و «سگ» به معنای رئیس یا فرمانده است و در مجموع به معنای «جد بزرگ» است (White 2008: 155). واژه میانی، یعنی «بیل» در زبان سومری به معنای «آتش‌دان» است که در مراسم آیینی به کار می‌رفته است. در ایران، روز نهم ماه آذر، که مقارن با برج نیمسب است، جشن آذرگان را برگزار می‌کنند که به گفته ابوریحان بیرونی چنین است:

در این روز، به افروختن آتش احتیاج می‌یابند و این روز عید آتش است و به نام فرشته‌ای که به همه آتش‌ها موکل است، موسوم است و زرتشت امر کرده که در این روز آتشکده‌ها را زیارت کنند و قربانی‌ها را به آتش نزدیک کنند و در امور عالم مشاوره کنند (بیرونی ۱۳۸۶: ۳۴۴).

در فرهنگ بابلی، پایلسگ از جنبه جنگ‌آوری با ایزد دیگری به نام نینورتا یکی می‌شود (بلک و گرین ۱۳۸۵: ۲۴۴) که از مهم‌ترین ویژگی‌های او داشتن سرشت جنگ‌جویی بود. در تعدادی از آثار به‌جامانده از بین‌النهرین، پایلسگ یا نیمسب در حال شکار یک موجود شیطانی است که می‌تواند پیشینه‌ای برای صورت فلکی قوس یا نیمسب در حال تیرزدن به اژدهایی باشد که در انتهای دم نیم‌تنه اسب قرار دارد.



تصویر ۱. سمت چپ، ایزد دوچهره سومری (Schwabe 1951: fig 256)
تصویر ۲. سمت راست، نگاره کوکب التوامین در نسخه منتخب



تصویر ۳. سمت راست، لوحی از اوروک با نقش ایزد شالا (White 2008: fig 60)
تصویر ۴. سمت چپ، نگاره کوكب سنبله در نسخهٔ منتخب



تصویر ۵. سمت چپ، مهر بابلی با نقش پایلسگ (White 2008: fig 100)
تصویر ۶. سمت راست، نگاره کوكب نیمسب یا قنطورس در نسخهٔ منتخب

۲,۹ موجودات خیالی

موجودات خیالی با اندیشه‌های اساطیری ارتباط نزدیک دارند و در واقع، زادهٔ روح اسطوره‌پرداز انسان اولیه هستند که در برابر طبیعتی بی‌کران و ناشناخته قرار گرفت. انسان‌های اولیه که در برابر طبیعت سلاحی جز اندیشه و تخیل نداشتند، به آن پناه بردند. موجود ترکیبی محصول تخیلی بود که آدمی را از ترس ناشی از ناتوانی در برابر طبیعت محفوظ داشت و به وی قدرت‌هایی عطا کرد تا از لحاظ روحی مقهور طبیعت نشود. لذا در تمدن‌های نخستین، نقش هیولاها و موجودات ترکیبی بسیار پررنگ بود و این موجودات در کنار ایزدان دیگر پرستش می‌شدند. پس از آن، در فرهنگ مزدیسنا، دیوها از جایگاه پرستش، برخلاف سنت هندی به‌خصوص در وداها، افول کردند. کریستینسن دیوان را

وابسته به آیین مهر و آن‌ها را هم‌چون مهر، ناهید، و دیگر فرشتگانی می‌داند که بعدها زرتشت آن‌ها را طرد کرد (Christiensen 1941: 4-5). در واقع، واژه «دیو» دراصل برای نشان‌دادن ایزدان فروغ و روشنایی به کار می‌رفته است که تا مدت‌ها در مناطق شرقی فلات ایران پرستیده می‌شدند (دیویسنا)، اما با گسترش آیین زرتشت، آن‌ها به عناصر و نیروهای جهان بدی و ناپاکی تعلق گرفتند و آفریده اهریمن دانسته شدند. پیروان دیویسنا مردمانی جنگ‌آور و جسور بودند و تا مدت‌ها میان آن‌ها و پیروان مزدیسنا نبردهایی درگرفت. خاطره این نبردهای اولیه که در پی آن‌ها در آغاز اقتدار قوم ایرانی رخ داد، گذشته از این‌که عناصر اصلی حماسه‌های ما را گرد آورد، تصویری نیز درباره بومیان فلات ایران برجای گذاشت که با گذشت زمان به شاخ و برگ افسانه آراسته شد و به تصور موجود زیان‌کار و زشت‌چهره‌ای به نام دیو منجر شد (ابراهیمی ۱۳۹۲: ۶۲). از اوستا و شاهنامه چنین برمی‌آید که دیوان ساکنان آغازین ایران باستان بوده‌اند. فردوسی فعالیت دیوان و پریان را در آغاز تاریخ بشر براساس روایات افسانه‌آمیز دوران ساسانیان نقل می‌کند. سیامک، پسر کیومرث، نخستین شهريار جهان، به چنگال دیو سیاه گرفتار شد (Christiensen 1941: 93). در دوران اسلام، رویارویی پیامبر و یارانش با گونه‌هایی از جن در سفر به سرزمین‌های بیابانی و دورافتاده از مصر، مکه، و بحرین تا عمان و صنعا ما را با طیف وسیعی از باورهای مربوط به موجودات وهمی روبه‌رو می‌کند که میان اعراب و ایرانیان مشترک است. کریستنسن جن، غول، و نسناس را موجوداتی از فرهنگ سامی می‌داند که هم‌راه اعراب به فرهنگ ایرانی وارد شدند و ایرانیان آن‌ها را با موجودات وهمی و اساطیری خود ترکیب کردند (ibid.: 71). باتوجه به آن‌که در بین جنیان هم، مانند انس، مؤمن و کافر وجود دارد، جن به‌طور مطلق نمی‌تواند زیان‌کار باشد. به‌خلاف دیو که گفته شد اگر جنیان جزو دسته طغیان‌گران قرار گیرند در هیئتی زشت (دیومانند) ظاهر می‌شوند، دیوان موجوداتی زیان‌کارند که از تیره جنیان‌اند (طاهری و زند حقیقی ۱۳۹۱: ۳۰). دیوی که «غول» نام دارد در عداد اجنه جای دارد که در صحرا روزگار می‌گذراند و به صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شود و مسافران را گم‌راه می‌کند. غول در عبری به‌معنای «مودار» است و گاهی آن را «بز» ترجمه کرده‌اند. در ترجمه یونانی کتاب مقدس، غول به «دیوان» ترجمه شده و مراد ارواح پلید است. به‌گمان عوام، غول موجودی خیالی است که نیمه بالای تن او انسان و نیمه پایین تنش به‌شکل اسب یا بز تصویر شده است و با باکوس، خدای شراب که در جنگل است، دوستی دارد (یا حقیقی ۱۳۸۶: ۶۰۶).



تصویر ۷. سمت راست، نقش هارپی روی کمر بند اورارتویی، زیویه، قرن هشتم میلادی (رحمانی و محمودی ۱۳۹۶: ۵۶)

تصویر ۸ سمت چپ، نقش هارپی در نسخه منتخب



تصویر ۹. سمت راست، مهر استوان‌های با نقش موجودات ترکیبی، دوره آشور جدید (خسروی ۱۳۸۸: ۱۰)

تصویر ۱۰، سمت چپ: موجودات ترکیبی در نسخه منتخب

جدول ۱. تحلیل نگاره‌های نسخه منتخب

تکنیک	میزان تطابق با متن	متن اصلی	نگاره	نام نگاره	ردیف
قلم‌گیری‌های ظریف یادآور نگارگری مکتب جلایری است. تنوع رنگی در این نگاره محسوس نیست. حرکت و پویایی در گشودن دست‌ها مشهود است.	مردی نشسته روی دو زانو با دستانی گشوده. تصویر با توضیحات متن هم‌خوانی دارد.	«او را رقیض نیز گویند. حکما گفته‌اند که صورت مردی است [با] دست‌های کشیده به‌زانو درآمده. یک پای بر طرف عصای و دیگر نزدیک آن چهار کوبه که بر طرف سه تنین است که آن را عواید گویند و کوب او بیست‌وهشت است در صورت و یکی خارج از صورت و نزدیک صاعد راست او آن کوب که مشترک است میان عوا آن را حساب نشمرند.»		کوب الجاتی (العوا)	۱

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۲	کوکب مسک‌الاعنه		«چهارده کوکب است. آن کوکب که در میان صورت است حنا خوانند و آن کوکب نیر که بر دوش چپ اوست او را عیوق خوانند و او را که بر مرفق چپ است غیر گویند و آن دو کوکب که بر دست راست است با عیوق عیار خوانند و عیوق را رقیب‌الثریا گویند از آن روی که با ثریا در مواضع بسیار بروید.»	تصویر مردی ایستاده که نیم‌رخ او به سمت چپ است و با دست راست به چیزی اشاره می‌کند. در متن توضیح خاصی درباره نگاره دیده نمی‌شود، لذا میزان تطابق آن را نمی‌توان بیان کرد.	تنوع رنگی در نوع استفاده از رنگ‌های گرم و سرد در این نگاره دیده می‌شود. حرکت با موقعیت دست مشهود است.
۳	کوکب الحوا و العیة		«صورت مردی ایستاده است و بر هر دو دست ماری را بگرفته است و کواکب او بیست و چهار است در صورت و بیست در خارج، اما کواکب مار هجده است و بر گردن او کوکی است که آن را عنق‌الحیة گویند و آن کوکب را که سر مار است نسق شامی خوانند و آن را که زیر گردن اوست نسق یمانی گویند...»	تصویر جوانی ایستاده رو به چپ. او با دست راست به چیزی اشاره می‌کند. میزان تطابق با متن کم است، چون در تصویر مار دیده نمی‌شود.	میزان تنوع رنگی کم است. قلم‌گیری‌های ضعیف خاکستری در چهره و وارد نشدن به جزئیات در نوع پوشش دیده می‌شود.
۴	کوکب دانات‌الکرسی		«و آن صورت زنی است بر کرسی نشسته و آن کرسی را دو قائمه هم‌چون قوائم منبر باشد و زن بر او نشسته و پای‌ها فرازیر کرده است.»	تصویر زنی نشسته روی منبر و رو به چپ که با دست راست به چیزی اشاره می‌کند. میزان تطابق متن با تصویر زیاد است.	استفاده از رنگ‌های گرم در پس‌زمینه خشتی تصویر را مشخص تر می‌کند، اما در این نگاره ظرافت در اجرای جزئیات دیده نمی‌شود.
۵	کوکب سیاوش		«و هو حامل رأس الغول و حکما گفته‌اند این کوکب صورت مردی است که بر پای چپ ایستاده و در دست راست بالای سر او و بر دست چپ سر غولی دارد و کواکب او بیست و شش است از صورت و سه کوکب بیرون از صورت.»	تصویر مردی با ردای بلند و کلاه در حالت سه‌رخ روبه سمت چپ. دست راست او اشاره به چیزی دارد و در دست چپ سر غولی است به غولی است به حالت نیم‌رخ که رو به شرق است. تصویر با متن هم‌خوانی دارد.	تنوع رنگی کم و قلم‌گیری‌های ضعیف و نپرداختن به جزئیات در پوشش و چهره از ویژگی‌های تصویر است. استفاده از رنگ گرم در مقابل رنگ سرد پس‌زمینه تصویر را برجسته ساخته است.

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۶	کوکب الترابین		«کوکب او هجده است و آن صورت دو آدمی است سر ایشان به‌جانب شمال و مشرق و پای ایشان به‌جانب جنوب و مغرب و کواکب هر صورتی به آن ذکر آمیخته است و آن دو کوکب که بر سر ایشان است ذراع خوانند و آن دو کوکب که میان صورت شمال غربی است هتعه گویند و آن کوکبه که بر قدم اوست و پیش قدم یمانی گویند».	تصویر دو آدم که دست در گردن هم دارند و رو به سمت راست ایستاده‌اند. هم‌خوانی متن و تصویر در این نگاره دیده می‌شود.	تنوع رنگی و اشاره به جزئیات خصوصاً در چهره‌ها و پوشش شخصیت‌ها از ویژگی‌های این نگاره است که از نگاره‌های قبلی آن را خاص کرده است.
۷	کوکب البهار		«و آن سی‌وهشت کوکب است از صورت بر شکل مردی ایستاده در جانب جنوب در طریقه آفتاب و به دست او عصایی و بر میان او شمشیری. و آن سه کوکب را که بر روی مرد است هتعه خوانند و زبانی نیز گویند و آن نیر اعظم که بر دوش چپ اوست منکب‌الجوزا خوانند و بدالجوزا نیز گویند و آن دو کوکب را که بر دوش چپ است ناچد و مزدم گویند و آن سه کوکب که بر یک صفا اند بر وسط او منطقه الجوزا گویند...».	تصویر مردی ایستاده و نیم‌رخ رو به چپ با دست راست اشاره به چیزی دارد. تصویر با متن هم‌خوانی دارد.	تضاد رنگی سیاه و سفید در پوشش شخصیت قابل توجه است و رنگ قرمز کلاه و پاپوش‌ها خودنمایی می‌کند. قلم‌گیری‌ها ضعیف است و به جزئیات پرداخته نشده است. کاراکتر از قاب پس‌زمینه خارج شده است.
۸	کوکب السنبله		«و آن را کوکب العذرا نیز گویند و کواکب او بیست‌وهشت است از صورت و آن صورت زنی است سر او آن‌جا که صرفه است و آن کوکبی روشن است بر دنبال اسد و پای‌های او آن‌جا که پایین بر کف‌های میزان و آن کوکب که بر دوش چپ اوست عوا گویند و بعضی چنین گویند که آن کواکب که بر شکم و زیر دست اوست ایشان را عوا خوانند ز بهر آن‌که کلاب‌اند که از پس شیر بانک می‌کنند».	پیکره به‌حالت نیم‌رخ و روی زانو نشسته است، رو به راست دارد و با دست راست جایی را نشان می‌دهد و چیزی شبیه دسته خوشه گندم در دست چپ دارد. متن با تصویر هم‌خوانی دارد.	تنوع رنگی قابل توجه و نوع پوشش و کلاه به تصویرگری اواخر قرن هشتم شباهت دارد. ظرافت در طراحی چهره و نوع قلم‌گیری میراث‌دار هنر جلاپریان است.

بررسی انسان‌نگاره‌های نسخه خطی عجایب المخلوقات ... (سارا صادقی‌نیا) ۳۴۱

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
			و آن کوکب نیر را که نزدیک آن دست است که بدان سنبله دارد اغزل خوانند، یعنی بی سلاح درمقابل سماک بود...»		
۹	کوکب قطورس		«سی وهفت کوکب است و صورت او صورت حیوانی است که از سر تا کمرگاه صورت آدمی بود و از کمرگاه تا آخر صورت اسب و روی او به مشرق باشد و آخر پشت به جانب مغرب و به دست او دو شاخ باشد و به دست دیگر سری گرفته باشد و بر شکم اسب نیر است او را بطین خوانند و بر دست راست کوکب روشن است آن را حصار خوانند و بر دست چپ دیگری آن را وزن خوانند و این دو کوکب را محفلین خوانند...»	تصویر موجودی ترکیبی انسان - اسب. چرخش سر رو به راست و دست‌ها کشیده است. حرکت در پاهای اسب و چرخش سر و گشیدگی دست‌ها دیده می‌شود. متن با تصویر هم‌خوانی دارد.	جزئیات کم در عین حال استفاده بیش‌تر از رنگ‌های گرم نسبت به رنگ سرد پس‌زمینه شخصیت را برجسته کرده است.
۱۰	غول		قزویی غول‌ها را چنین توصیف می‌کند: «گویند کسی که سفر کند و شب‌ها در بیابان تنها باشد معترض او شود و خواهد که او را هلاک کند. و گویند که چون شیاطین استراق سمع کنند، باری تعالی ایشان را دفع به شهاب کند. بعضی بسوزند و بعضی به دریا افتند و نهنگ شوند و بعضی به بیابان‌ها غول شوند. جاحظ گوید که غول دیوی است که معترض مردم مسافر شود و هر وقتی به صورتی نماید.»	تصویر موجودی تخیلی با شمایل انسان و موهای بلند که هنرمند برای ترسیم آن از قوه تخیل خود استفاده کرده است. موجود تخیلی رو به سمت راست دارد و با دست به چیزی اشاره می‌کند. هم‌خوانی متن و تصویر در این نگاره دیده نمی‌شود.	جزئیات و ظرافت در تصویر اجرا نشده‌اند. در پس‌زمینه اشاره مختصری به طبیعت شده است. تصویر وسیع‌تر از نگاره‌های پیشین است. استفاده از رنگ تیره در کره جلوه‌دادن چهره تأثیر دارد.
۱۱	غول		در ادامه می‌گوید: «کسانی که غول را دیده‌اند از سر تا ناف به شکل انسان و از ناف تا آخر به شکل اسب و سم‌های او مانند سم خر است.»	تصویر خیالی ترکیب انسان - اسب - خر به صورت سه‌رخ است. متن با تصویر مطابقت دارد.	از طبیعت در پس‌زمینه برای نشان‌دادن شخصیت در فضای باز استفاده شده است. جزئیات وجود ندارد. پویایی در چرخش بالاتنه و دم قابل توجه است.

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۱۲	رَبِّهِ ذِي		سلیمان در ایشان نگاه می‌کرد و از صورت و اشکال آن‌ها عجب داشت. بعضی از ایشان را لون سرخ و بعضی زرد و بعضی سیاه و بعضی ابلق بر صورت اسب و استر و اشتر و خر و شیر و پلنگ و بعضی را چون پیل خرطوم بود، و سلیمان باری تعالی را سجده کرد. جبرئیل آمد و عرض کرد که از مقام خود برخیز. برخواست و انگشتی که جبرئیل آورده در انگشت کرد و جن و شیاطین در خدمت او بایستادند. سلیمان از دین و قبله و ملوک و وضع ایشان می‌پرسید و ایشان جواب می‌گفتند...».	تصویر موجودات خیالی با ترکیب انسان - حیوان که تأکید بر موقعیت‌های ناهمگون دارد. تطابق متن با تصویر زیاد است.	تنوع رنگ و حرکت در کاراکترها با موقعیت‌های متنوع قلم‌گیری‌های ضعیف خاکستری و نپرداختن به جزئیات از ویژگی‌های نگاره است.
۱۳	الغدار		«دیوی است که در جزایر بهار باشد و او به صورت آدمی باشد که بر شتر مرغ سوار بود و اگر کسی را می‌پسندد، هلاک کند و گویند که قومی در سفر با او محاربه کردند بانکی بکرد و آن جمله بر وی درافتادند و ایشان را بگرفت و هلاک کرد.».	تصویر آدمی برهنه سوار بر شتر مرغ که هر دو رو به جانب چپ دارند. سوار با دست راست به چیزی اشاره می‌کند. متن با تصویر هم‌خوانی دارد.	وسعت نگاره نسبت به متن قابل توجه است. تنوع رنگی وجود دارد. میزان ظرافت در این نگاره کم است.
۱۴	الشیمة		«دیوی است صورت او چون یک نیمه آدمی و گویند نسناس ازین دیو و مردم در وجود آمده است و در سفرها قصد مردم کند و گویند علقمه بن سقیان در بعضی سفرها و شق را دید. و شق قصد علقمه کرد. علقمه را بزد و علقمه او را بزد. هر دو هلاک شدند.».	تصویر موجودی خیالی شبیه انسان رو به راست با حالت نیم‌رخ. در توضیحات به ویژگی فیزیکی آن اشاره نشده است.	میزان جزئیات کم است و کیفیت نگاره خوب نیست.
۱۵	ذو الذنب الاسود		«... دیو دیگری بیامد بدشکل و ناخن‌های او چون ناخن‌های باز بود و در دست او بریطی. سلیمان از او پرسید که تو کدام دیوی؟ گفت من مره‌بن خزف و اول کسی که وضع بریط کرد من بودم. هیچ‌کس لذت مناهی در نیابد الا من...».	توضیحات متن با نگاره نسخه چاپ سنگی مطابق است و این نگاره مطابق با متن نیست. تصویر موجود ترکیبی و خیالی که به جای بریط شناخته چوبی در دست دارد.	حرکت و پویایی در پوزیشن کاراکتر ملموس است. در جزئیات تصویر ظرافت دیده نمی‌شود. فقط در چهره از رنگ‌های گرم استفاده شده است.

بررسی انسان‌نگاره‌های نسخه خطی عجایب المخلوقات ... (سارا صادقی‌نیا) ۳۴۳

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۱۶	پایان		«و هب بن منبه گوید: چون سلیمان علیه السلام بار دوم مملکت باز یافت، باری تعالی فرمود تا شیاطین را جمع کرد. سلیمان آن اشکال را می‌دید و در آن میان دیوی بگذشت که یک نیمه بدن او چون گربه [بود]. او را گفت تو کدام شیطانی؟ گفت قهرین فنان. گفت عمل تو چیست؟ گفت: و شرب خمر و مرا مکان به زمین هند است... سلیمان علیه السلام گفت تا بندش کردند. دیگری آمد بر شکلی قبیح ملون چون دحان و دهن چون سگ و از هر موی او بر اعضای قطره خون می‌چکید. گفت تو کدام شیطانی؟ گفت: من جلیبان محولم. گفت کار تو چیست؟ گفت خون ریختن. بگفت تا بندش کردند.»	تصویر موجودات ترکیبی انسان - حیوان که ظاهراً در حال گفت‌وگویند. مربوط به یکی از نسخ خطی کتاب عجایب است که با تصویر نسخه منتخب هم خوانی دارد، در حالی که با نسخه چاپ سنگی این تطابق دیده نمی‌شود.	باتوجه به موقعیت دست‌ها و پاها و چرخش سر، حرکت و پویایی ملموس است. نگاره ظرافت و توجه به جزئیات ندارد.
۱۷	بستر گوشان		«و ایشان قومی اند در جهت مشرق به قرب یاجوج و ماجوج و گوش ایشان چون گوش فیل بود. هر گوش چون گلیبی یکی فرش سازند و دیگری لحاف...».	تصویر گلیم گوشان رو به سمت راست با گوش‌های بلند تا زیر کمر، با داستانی که به چیزی اشاره می‌کنند و مطابق با متن تصویر شده‌اند.	تشابه چهره دو شخصیت قابل توجه و قلم‌گیری‌های ظریف به خصوص در اجزای چهره‌ها مشهود است. حرکت در موقعیت پاها و دستان دیده می‌شود.
۱۸	امه الاخری		«و منها امه الاخری: نزدیک سد اسکندر در میان کوه‌ها باشند بر بالای کوه‌ها به قدر پنج سپر روی ایشان پهن بود و پوست ایشان سیاه و بر آن نقطه‌های زرد و سفید بود.»	موجودات خیالی برهنه با ترکیب انسان - حیوان و سیاه‌رنگ رو به سمت راست. در فضای باز قرار گرفته‌اند. تصویر منطبق با متن است.	وجود طبیعت در پس‌زمینه و نوع قرار گرفتن شخصیت‌ها که حرکت دارند. قلم‌گیری‌های ظریف در اجزای چهره‌ها و مو قابل توجه است.

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۱۹	سناس		«وهم چنین امهٔ اخری رویشان چون روی آدمی و تنشان چون تن کشف و ایشان را روی دراز باشد. گونهٔ آخر از امهٔ اخری سناس است.»	دبوی با پیکری برهنه که اعضای بدنش فرد و ناطق است. نیم آدمی که به حالت نشسته، دست خود را بالا آورده و گویا به چیزی اشاره می‌کند؛ مخلوقی که دچار پدیدهٔ خلاصه‌گویی شده است و تکرار در اعضای بدنش نیست. متن با تصویر هم‌خوانی دارد.	خلاقیت هنرمند با ایجاد یک خط عمود برای پنهان کردن نیمهٔ دیگر بدن شخصیت قابل توجه است. هم‌چنین، قلم‌گیری‌های ظریف در اجزای چهره مشهود است.
۲۰	سگسان		«ومنها فی بعض جزایره الزابیح: روی ایشان مانند روی سگان و باقی بدن ایشان هم چون آدمی است و معاش ایشان از ثمار و اشجار آن جزیره بود. اگر چیزی از حیوانات یابند، خورند.»	موجوداتی که در عجایب المخلوقات به سگسار معروف‌اند. بدن انسان و سر سگ و بال دارند. طبق توضیحات متن، تصویر با متن هم‌خوانی دارد.	وسعت نگاره نسبت به متن اهمیت دارد. قلم‌گیری دقیق و ظرافت در اجزای چهره و بال‌ها قابل توجه است. حرکت در بال‌ها و حرکت دستان دیده می‌شود.
۲۱	دوال		«امهٔ اخری: بر صورت آدمی باشند و روی ایشان به‌غایت خوب و در پای‌های ایشان استخوان نباشد و چون مار بر زمین روند و چون آدمی نزدیک ایشان رود در گردن او پیچند و هر چه خواهند از گردن پسندازند و نتوانند و روی مردم به ناخن خراشند و او را چون دابه مسخر کنند.»	«دوال» در لغت به معنای تسمهٔ چرمی است که با آن طبل و کوس نوازند. دوالیا نیز به معنای کسی که دارای پاهای باریک و دراز مانند دوال باشد؛ مرد باریک‌ساق و شل، که در بیابان‌ها و جنگل‌ها زیست می‌کند. متن و تصویر منطبق‌اند.	حرکت و پویایی به‌خوبی در موقعیت پاها و دستان مشهود است. چهره‌پردازی و قلم‌گیری در این نگاره از کیفیت خوبی برخوردار است.

ردیف	نام نگاره	نگاره	متن اصلی	میزان تطابق با متن	تکنیک
۲۲	عجیب الخلقه		حکایتی از زبان شافعی: «چون به یمن رسیدم، مثالی انسانی دیدم که از کمر تا پا صورت زنی دیدم که از کمرگاه تا فرق صورت دو بدن و چهار دست و دو سر و هردو می‌خوردند و سخن می‌گفتند و با یکدیگر جنگ می‌کردند و وقتی صلح می‌کردند، و اگر کسی میان ایشان خواستی که مصالحه کند هردو از اعراض به آن شخص توجه کرده آزار به او رسانیدندی.»	تصویر موجودی خیالی از دو انسان که از ناحیه کمر بهم چسبیده‌اند و پاها در آن‌ها مشترک است. روی آن‌ها به‌سوی یکدیگر است و دو دست مخالفشان درهم قلاب شده است. متن با تصویر هم‌خوانی دارد.	تصویر از ظرافت در اجزای چهره برخوردار است. کاراکتر از پس‌زمینه خارج شده و مرز آن با متن از میان رفته است. به‌مدد نوار سبزرنگ شخصیت از پس‌زمینه جدا شده است. پویایی مشهود است.
	زنی و		«و گویند که قمطره نهاده بودند و در آن‌جا طایری بود بر صفت زاغ و سر او چون سر آدمی و بر سینه و بر پشت او نقطه‌های سفید. پرسیدم که این کیست گفت: از او بپرس. گفتم او را بزنم. آغاز نزاع کردند.»	موجود خیالی با ترکیب انسان - پرنده که به هارپی شهرت دارد. رو به‌سمت چپ دارد و مطابق با توضیحات متن است.	هرچند بخشی از نگاره مخدوش شده است، ظرافت در جزئیات به‌خصوص در چهره و بدن پرنده و چنگال‌ها قابل توجه است. هنرمند در جزئیات به طبیعت وفادار است.

۱۰. نتیجه‌گیری

کتاب *عجایب المخلوقات* از معدود کتاب‌های خطی مصور با نظم دایرة‌المعارف است که در قرن هفتم هجری به‌دست زکریای قزوینی نوشته شد. نسخه منتخب شامل نگاره‌هایی است که ارزش هنری زیادی دارند و از میان آن‌ها، نگاره‌های انسانی از تنوع قابل‌توجهی برخوردارند. نگاره‌ها، به‌لحاظ ریخت‌شناسی در صور فلکی در قالب انسان و در موجودات عجیب‌الخلقه به‌صورت ترکیب انسان- حیوان دیده می‌شوند. نگاره‌ها متأثر از باورهای مذهبی، اعتقادی، و فرهنگی‌اند. آمیختگی روایت‌ها و داستان‌های قرآنی و قصص‌الانبیا با فرهنگ اسطوره‌ای و ادبیات شفاهی در محبوبیت تصاویر درمیان مردم تأثیرگذار بوده است. علاوه بر صور فلکی، موجودات خیالی، یعنی دیوان و غولان، نیز غالباً از هیبت انسان‌گونه برخوردارند؛ مثلاً روی دو پا راه می‌روند و می‌ایستند. برخی گونه‌ها مانند انسان به‌صورت دوزانو یا چهارزانو می‌نشینند (سناس و سگ‌سانان). به‌دلیل عجیب‌وغریب بودن موجودات ترکیبی، گستردگی و تنوع آن‌ها برای تصویرگران با کم‌وزیادکردن برخی از اعضای بدن

(دست، پا، و سر) یا جابه‌جایی عضوها فراهم می‌شود. شخصیت‌های نگاره‌ها اغلب رو به‌سوی شرق یا غرب دارند. نگاره‌ها بخش زیادی از متن را به‌خود اختصاص داده‌اند و در همه موارد همراه با متن دیده می‌شوند. درباره نگاره‌های صور فلکی تصویرگر از پس‌زمینه آبی برای تمام نگاره‌ها که احتمالاً یادآور پهنه آسمان است، استفاده کرده است. درباره موجودات ترکیبی و خیالی، نگارگر برای پس‌زمینه نگاره‌ها از طبیعت بهره برده است. به‌جز چند مورد استثنایی، اکثر نگاره‌ها به متن وفادارند. درعین حال، نگارگر از قوه تخیل خویش نیز بهره برده است و با به‌تصویرکشیدن توصیفات نویسنده، خواننده را به دنیایی غیرواقعی اما عینیت‌یافته رهنمون می‌کند. نگاره‌ها براساس درک فرهنگ عامه و شناخت باورهای جامعه تصویر شده‌اند و به فهم بیشتر خواننده کمک می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. به‌گفته مؤلف، این جزیره به دریای زابح متصل و شامل ۱۷۰۰ جزیره بوده است. قزوینی از قول موسی بن المبارک السیرافی می‌نویسد: «چون به جزیره رسیدم و پیش ملک او که عرجون نام داشت رفتم، او برهنه بر تختی نشسته بود و تاجی بر سر و چهار هزار دختر درخدمت او بودند. این جزیره را از آن جهت واقواق می‌گویند که در آنجا درختانی هست که بار او سر حیوانات و از آنجا آوازهای عجیب می‌آید و آن قوم از آن آواز چیزی استدلال کنند از خیر و شر.
۲. در این جزیره خلقی هستند بر صورت آدمی و سفیدرنگ و ایشان را پروبالی باشد که بدان پرند و نوعی از ایشان.

کتاب‌نامه

- ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۲)، «بررسی سیر تحول مفهومی دیو در تاریخ اجتماعی و ادبیات شفاهی»، دوفصل‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۱، ش ۲.
- براتی، پرویز (۱۳۸۷)، *عجایب ایرانی: روایت شکل و ساختار فانتزی عجایب‌نامه‌ها به‌همراه متن عجایب‌نامه‌های قرن هفتم*، تهران: افکار.
- بینیون، لورنس و دیگران (۱۳۶۷)، *سیر تاریخ نقاشی ایران*، ترجمه محمد ایران‌منش، تهران: امیرکبیر.
- ترابی، ارکیده (۱۳۹۰)، «بررسی آثار چاپ سنگی علیقلی خوبی در کتاب *عجایب المخلوقات* قزوینی»، *کتاب ماه هنر*، پیاپی ۱۵۶.
- حاسب طبری، محمدبن ایوب (۱۳۷۱)، *تحفه الغرایب*، به‌تصحیح جلال متینی، تهران: معین.

بررسی انسان‌نگاره‌های نسخه خطی عجایب المخلوقات ... (سارا صادقی‌نیا) ۳۴۷

درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رشنوزاده، بابک (۱۳۸۸)، «پیشرفت‌های حیرت‌انگیز: عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»، کتاب ماه علوم و فنون، پیاپی ۱۲۳.

روشناس، سیدمحمدامین (۱۳۸۲)، «معرفی یک نسخه از ترجمه عجایب المخلوقات قزوینی»، تندیس، ش ۱۲.

زکی، محمدحسن (۱۳۲۸)، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، تهران: سحاب‌چاپ. طاهری، علیرضا و مریم زند حقیقی (۱۳۹۱)، «تصویر دیو، غول و جن در کتاب عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات القزوینی»، فصل‌نامه هنرهای تجسمی نقش‌مایه، س ۵، ش ۱۲.

عکاشه، ثروت (۱۳۸۰)، نگارگری اسلامی، ترجمه سیدغلامرضا تهامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

قزوینی، محمدبن محمود (۹۵۴ ق)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نسخه خطی هند، ترجمه فارسی، مجموعه کتابخانه آستان قدس رضوی.

قزوینی، محمدبن محمود (بی‌تا)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، نسخه خطی، ترجمه فارسی، کتابخانه آستان قدس رضوی.

قزوینی، محمدبن محمود (۱۲۶۴)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، چاپ سنگی قاجار. قزوینی، محمدبن محمود (۱۳۴۰)، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات، تصحیح نصرالله سیوحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹)، تاریخ‌نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، تهران: علمی - فرهنگی.

گری، بازل (۲۵۳۵)، نگاهی به نگارگری در ایران، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران: توس. مشتری، محمد (۱۳۹۱)، «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات»، کتاب ماه علوم و فنون، پیاپی ۶۸.

مهریز ثانی، سمیه و فرهاد مهندس‌پور (۱۳۹۰)، «تطابق متن و تصویر در نگاره‌های موجودات خیالی عجایب المخلوقات قزوینی، مطالعه موردی نسخه خطی مصور کتابخانه دانشگاه پرینستون»، کتاب ماه هنر، پیاپی ۱۵۳.

هس، فن سیرینکس و ادوارد شوارتس (۱۳۸۵)، «نقش مرغ در نسخه عجایب المخلوقات»، ترجمه عباس آقاجانی، گلستان هنر، ش ۴.

۳۴۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱

همدانی طوسی، محمدبن محمود (۱۳۷۵)، *عجایب‌نامه؛ عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، به تصحیح جعفر مدرس صادقی، تهران: مرکز.
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *فرهنگ اساطیر و داستانواره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

Allan, J. (1995), *Islamic Art in the Ashmolean Museum*, the Boards of Faculty of Oriental Studies, Oxford: Oxford University Press.

Christiansen. A. (1941), *Essai sur la Démonologie Iranienne*, vol. 1, Copenhagen: Ejnar Munksgaard.

Hagedorn, A. and W. Norbert (2009), *Islamic Art*, Taschen, Honkong.

Lewicki. T. (1978), "Al-Kazwini", in: *Encyclopedia de l'Islam*, vol. 4.